



۲۰۱۲/۰۹/۱۱

داکتر عبدالرحمن زمانی

اصلاحات امانی علت اغتشاش یا قربانی اغتشاش؟

(قسمت ۴)

ارتباط اغتشاشات با اصلاحات

چون از یکطرف اغتشاشات از نظر زمانی بعد از مراحل مهم دوره اول و سوم اصلاحات واقع شده اند، و از طرف دیگر پیشنهاد بعضی از ریفورم های اجتماعی مورد استفاده تبلیغاتی مخالفین دولت قرار گرفته، و علت عمده به اصطلاح مخالفت مردم بمقابل رژیم امانی و سقوط آن خوانده شده است، این تصور را بار آورده که گویا اغتشاشات نتیجه عکس العمل مردم بمقابل اصلاحات بوده است.

ارزیابی علل اغتشاشات و شکست نهضت امانی به تحلیل و تجزیه عوامل مغلق و پیچیده آن نیاز دارد. درین که اغتشاشات سبب تاخیر و انقطاع برنامه های اصلاحی و انکشافی و سقوط رژیم امانی شد، هیچ شکی وجود ندارد. ولی شکست رژیم امانی را باید از ناکامی اصلاحات تفکیک کرد.

برای پاسخ به این سؤال اساسی که آیا اصلاحات سبب اغتشاشات بوده است یا قربانی آن، به مطالعه عوامل مختلف اغتشاشات و تفاوت آن با آنچه توسط مخالفین مذهبی رژیم امانی ادعا شده است، می پردازیم.

آیا افسانه مخالفت مردم با اصلاحات و پلتهای تجدد و پیشرفت حقیقت دارد؟

غازی امان الله خان می پنداشت که اصلاحات او عوامل شورش را تشکیل نداده، بلکه حکومتش «قربانی تبدلات سیاسی که از سوی روحانیون متعصب تهریک و حمایت گردیده - شد است» (۱) اما عده از مؤرخین غربی و پیروان افغانی شان اغتشاشات را نتیجه مستقیم اصلاحات دانسته و علت آنرا نیز تعصب و پسماندگی جامعه افغانی و اشتباه امان الله خان در شتابزده گی و درک نادرست اوضاع کشور و جامعه اش میدانند.

گریگورین نویسنده کتاب ظهور افغانستان مدرن تحت عنوان "امان الله خان، قهرمان بد شانس مدرنیزاسیون" مینویسد که برای بسیاری از مشاهده کنندگان معاصر انگلیس، سقوط امان الله ریشه در بی حوصله گی یک بخشی از افغانها و تعصب در بخش دیگر آن دارد. به گونه مثال کومیون پلت (Comyn-Platt) تشریح میدهد که «این همان داستان کهن جوانانی است که عجله دارند، و اگر فقط یک چیز وجود داشته باشد که افغانها آنرا دوست ندارند، عجله و تغییر است». او از مایکل اودییر در روزنامه های دیلی میل و سندی اکسپرس نقل میکند که «امان الله کوشش نمود راه غرب را در پیش گیرد و بنابراین ویرانی خودش را با بی پروایی و تلاشهای نا سنجیده، باپایمال کردن سنت ها و مذهب قبایل محافظه کار و متعصبی که هیچگونه وفاداری به جز به نام، به حکومت کابل نداشتند، آماده ساخت». گریگورین از ایمانوویل نیز نقل میکند که گفته است «افغانها ممکن متعصب ترین مردمان مذهبی در روی زمین باشند و ملاها عاملین اصلی براندازی امان الله بودند». بنظر او اغتشاشات عکس العمل مردم بمقابل برنامه های بلندپروازانه و وسیع اصلاحات اقتصادی-اجتماعی بود، مردم گویا به قبول کردن پیشرفت تمایل نداشته و برای مدرنیزاسیون آماده نبودند.

برای اینکه بدانیم آیا مردم برآستی با تجدد و پیشرفت مخالف بودند، به چشم دیدشادروان غبار مراجعه میکنیم. او میگوید که «حکومت امان الله خان بعد از تصفیه حساب با دولت انگلیس مشغول اصلاحات داخلی گردید. مردم افغانستان که طالب پیشرفت بودند، جداً به معاضدو همکاری دولت برخاسته از تمام ریفورم های جدید عملاً استقبال کردند و چنانچه در جنگ با انگلیس با جان و مال بذل مساعی نموده بودند، برای نشر معارف جدید در مالیات بدهی خود فی روپیه چند پیسه به نام "اعانه معارف" قبول و در تمديد سرک ها داوطلبانه خدمت و از صنایع جدید و نظام دیموکراتیک به شدت پشتیبانی کردند. حتی زنان کشور در مدارس داخلی، نشر جریده "ارشاد نسوان"، تاسیس انجمن "حمایت نسوان" و غیره داخل فعالیت شدند. روی همرفته مردم در تمام این ریفورمهای نا آشنا بدون اندک تعصب و

د پانو شمیره: له 1 تر8

افغان جرمن آنلاين په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټينگه کړئ maqalat@afghan-german.de

یادونه: دلیکنی دلیکنیزی بنی پازوالی د لیکوال په غاره ده، هبله من یو خپله لیکنه له رالیولو مخکې په خیر و لولئ

کهنه پرستی از دولت جوان افغانی حمایت و پشتیبانی نمودند. اینست که شاه توانست ریفورم های خود را در مرحله اول از ۱۹۱۹ تا ۱۹۲۴ کامیابانه و دلیرانه علیرغم دسایس خارجی و ضدیت قوه های ارتجاعی در محل تطبیق گذارد. و اما مرحله دوم ریفورم که از ۱۹۲۷ تشدید شد، با منافع عمده که داشت در جنین خود معدوم گردید... قضاوت کسانی که ناکامی ریفورم را نشانه جمود و تعصب ملت افغان دانسته اند، ارتباطی با واقعیت ندارد. در واقع مردم افغانستان مثل هر جامعه بشری طبیعتاً خواهان پیشرفت زندگی است. تاریخ افغانستان نشان میدهد که مردم افغانستان بر ضد تمدن و فرهنگ در هیچ دوره قیام کرده باشند. «(۲)

استاد فضل غنی مجددی، نوه حضرت محمد صادق مجددی یکی از مخالفین سرسخت امان الله خان، درین باره میگوید که «اصلاحات امان الله خان سبب حقیقی آغاز انقلاب نبود. ملت افغانستان پادشاه را در تطبیق بسیاری از اصلاحات همکاری نمود، لیکن مشکل تطبیق اصلاحات و اشخاص غیر مخلص در داخل دستگاه دولت اسباب کراهیت ملت را نسبت به اصلاحات آماده ساخت، نه خود اصلاحات. ارکان دولت و والیان در ولایات در اشتعال انقلاب نقش فعال را داشتند.» «(۳)

اصلاحاتی که مخالفین از آن بحیث مواد تبلیغاتی استفاده نمودند

بعضی از اصلاحات اجتماعی-کلتوری بخصوص آنهایی که به رسوم و عنعنات مربوط میشد، مانند مکلفیت پوشیدن لباس غربی، آزادی نسوان و تساوی حقوق زنها، ممنوع قراردادن ازدواج دختران صغیر و تعدد زوجین، فرستادن دختران برای تحصیل به ترکیه، و مقررات علیه مصارف گراف عروسی و فاتحه خوانی، از جمله اصلاحات اجتماعی جنجالی بودند، زیرا مخالفین دولت از آن استفاده تبلیغاتی نموده و آنرا علت عمده به اصطلاح مخالفت مردم بمقابل رژیم امانی و سقوط آن خوانده اند.

شایسته توجه است که اصلاحات دوره امانی، اصلاحات جامع بوده و منظورش عصری ساختن تمام افغانستان بود، نه همقدم ساختن چند دستگاه اجتماعی یا دولتی با دنیای پیشرفته. طور مثال در برنامه های اقتصادی رژیم امانی میبینیم که مقررات مالیات و محصولات، ممد و پشتیبان پروژه های تجاری و ابتکارات زراعتی بود. همچنین پروژه های اقتصادی، پلان های تعلیم و تربیه را، و پروژه های تعلیم و تربیه برنامه های اقتصادی را تقویه مینمود.

وسعت و حجم پیمانۀ تحولاتی را که غازی امان الله خان روی دست گرفته بود، هم از نوعیت اصلاحات و هم ازین گفتارش درک کرده میتوانیم که میگفت «آرزودارم تا تحولی در تمام صفحات حیاتی و فعالیت های گوناگون مملکت خویش ببینم» «(۴)

جائی شکی نیست که شاه امان الله خان هم انسان و جوان بود و بدون اشتباه و بی عیب نبود. بی صبر بود و میخواست هرچه زودتر به مقصد عالی و انسانی اش که چیزی جز رفاه ملت و ترقی و پیشرفت کشورش نبود، برسد، و در بر بعضی موارد به اصلاحات فرعی و غیر اساسی هم دست زد، اما اینکه اکثریت ناقدین انتقادات شانرا بعد از سقوط آن رژیم، بدون آنکه خود پلان های اصلاحی را مورد تجزیه و تحلیل قرار دهند، متوجه شخص امان الله خان قرار داده و او را ملامت میکنند، دور از انصاف و واقعیت است.

درست است که ریفورم لباس و مکلفیت پوشیدن لباس غربی مورد پسند مردم نبود. ولی بخاطر باید داشت که ساحۀ تطبیق آن خیلی محدود و آن هم منحصر به دربار و محافل رسمی بوده و تقریباً اختیاری بود.

درست است که آزادی نسوان با مقاومت زیاد مواجه شد، ولی اینجا هم حکومت بیشتر از قناعت بخشیدن مردم تا از جبر و ستم کار گرفت، و پروگرام مذکور کدام تأثیری نداشت.

درست است که مراسم عزاداری و عروسی ماهیت قانونی بخود گرفت، اما مردم بطور عموم آنرا ناشنیده پنداشته و برحسب معمول به رواج خویش دوام دادند، و هیچ مثالی دیده نشده است که در آن متخلفین به محاکمه کشانیده شده باشند.

جادارد برای مطالعه و تحلیل بیطرفانۀ ارتباط اصلاحات با اغتشاشات به همین نمونه های اصلاحات اجتماعی بی که مخالفین آنرا علت عمده مخالفت مردم بمقابل اصلاحات میدانند، اشاره کنیم و ببینیم که آیا براسستی اینها مواد منفجره اغتشاش بودند یا علل دیگری نیز در کار بودند.

لیون پولادا معتقد است که در تحلیل پروگرام های تجدد سه عامل مهم را باید در نظر گرفت: اول اینکه ساحه نفوذ این پروگرام ها محدود به شهر ها بوده و در ولایات بیشتر شکل افواها را داشته و اصلاً تقاضای تطبیق آن صورت نگرفته بود. دوم اینکه حتی در شهر ها نیز تاثیر این اقدامات عمدتاً بر طبقه بالا بوده، و عوام نه از آن متاثر بودند و نه هم به آن علاقه داشتند. مثالی که در ماه جولای ۱۹۲۸ همفریز، وزیرمختار انگلیس در کابل، به حکومت خویش در باره رفع حجاب نوشت «تا اکنون دلیلی در دست نیست که نشان دهد مردم افغانستان رفع حجاب را جدی گرفته باشند» (۵) روزنامه تایمز (۶) راجع به پلان تجدد افغانستان نوشت که «برای زن های دهاتی افغانستان که تنبانهای فراخ و شل و پیراهن های دراز میپوشند و موهای خینه شده و چوتی زده خود را زیر چادر های بزرگ پنهان میکنند، و با شوهران خود با یک حوصله بزرگی مصروف کار در مزرعه میباشند، آزادی نسوان معنی ندارد». و سوم اینکه شواهد کافی موجود اند که حتی قشرهایی هم که از اصلاحات اجتماعی متاثر شده اند، علیه آن مقاومتی نشان نداده اند. (۷)

پولادا مینویسد که هرگاه اصلاحات اجتماعی صرف متوجه اقشار معدود اجتماع [در شهرها] بوده، و مورد نفرت آنها نیز قرار نداشت، پس این افسانه که مقاومت و مخالفت با اصلاحات اجتماعی اساس اغتشاشات بود، از کجا بمیان آمد؟ جواب این سؤال واضح است. ریفورم و اصلاحات اجتماعی بهترین وسیله پروپاگاند، تخویف و تهدید باشندگان اطراف و مناطق قبایلی بود. لذا طبقاتی که از اصلاحات متاثر نشده، آنهایی که در باره اصلاحات تجربه مستقیم نداشتند، و نمیدانستند که اصلاحات راجع به چه چیز است، فریب انواع تقلب و دروغ های مبالغه آمیز را خوردند. علاوه بر آن قسمتی از اصلاحات در امور خانواده گی، که در جامعه قبیلوی به اساس قومی و خویشی از اهمیت زیادی برخوردار است، مداخله میکرد، و به موضوعات حساس دیگری هم مثل عقیده و مذهب تماس میگرفت. از آنجاست که مخالفین امان الله خان اصلاحات اجتماعی او را هدف مجادله و پروپاگاند های خویش قرار دادند. مطبوعات شورانگیز و هیجان پذیر خارجی نیز این توضیح آماده و ساده علل اغتشاشات را مورد استفاده قرار داده و سرانجام به مکتب فکری بی تبدیل شد که حتی نویسندگان جدی را هم به کجراه کشانده، بدون تحقیق و تفحص به علل اصلی اغتشاش، گفته های فوق را تأیید کردند. (۸)

شایعترین انتقادات بر اصلاحات و رژیم امانی

در رابطه با تقویت اردو

دسته از نویسندگان اعتراض میکنند که شاه بر پایه گفته اش که «دیگر عصر شمشیر گذشته و عصر قلم است»، به کاهش بودجه و تعداد نفرات ارتش اقدام کرد. آنها مثال می آورند که او مانند کمال اتاترک و رضاشاه باید برای پیاده نمودن اصلاحاتش به یک اردوی قوی تکیه میکرد. آنها ضعف دستگاه نظامی را سبب سقوط رژیم و اشتباه امان الله خان میدانند.

شواهد زیادی در دست است که شاه امان الله خان برای تاسیس یک دستگاه نظامی قوی و پایدار در چوکات اولویت های پلان انکشاف ملی خود کوشش های بی حاصلی نموده است. (۹) امان الله خان عقیده داشت که با دلایل و تعقل خواهد توانست که ملت خویش را قناعت داده و همکاری شانرا برای پیشبرد پروگرام انکشافی مملکت جلب کند. او کوشید تا پشتیبانی سیاسی مردم خویش را با تشویق و ترغیب متقاعد ساختن شان به اینکه برنامه های وی به خیر مملکت و مردم افغانستان است، حاصل نماید. او مخالف استعمال جبر و فشار برای رسیدن به هدف بود. همچنین طرفدار نبود یک دستگاه نظامی پر مصرف که بار سنگین بر عاید ملی تحمیل کند، تاسیس نماید. انکشاف اقتصادی و توسعه معارف نزد وی رجحان داشت، ولی این برتری طوری که مخالفینش تعبیر کرده اند، ضعیف ساختن ویا حقارت دستگاه نظامی نبود. او میخواست که دستگاه نظامی مملکت متناسب با احتیاجات یک دولت عصری و موافق با آمال آن باشد. وسایطی که برای رسیدن به مقصد استعمال کرد، مورد بازپرس قرار گرفته متواند، ولی در شایستگی اهداف آن شک و شبه نیست. (۱۰)

در رابطه با مصارف گزاف ساختن قصر دارالامان

دارالامان پایتخت اداری افغانستان در عهد شاه امان الله خان بود که در اوایل دهه ۱۹۲۰ اعمار و شامل یک تعداد از دفاتر حکومتی، یک بنای تاریخی و مهم پارلمان و شاروالی (شهرداری) میشداعضای دربار و مامورین عالیرتبه دولتی درین پایتخت جدید منازل رهاشی ساختند، و یک قطار ریل آنرا به مرکز شهر وصل میکرد. (۱۱)

د پانوی شمیره: له 3 تر8

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته راښوې. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینګه کړئ maqalat@afghan-german.de

یادونه: دلیکني د لیکنيزي بني پازوالي د لیکوال په غاړه ده، هيله من يو خپله ليکنه له راليرلو مخکي په خیر و لولئ

سیاست خارجی دولت که تا حدودی موفقیت های پیش بینی شده را همراه داشت ، زمینه کسب کمک های اقتصادی برای تحقق پروگرام های اصلاحی و نوآوری ها را در ساحات اقتصادی، اجتماعی، تعلیم و تربیه، عمرانی، نظامی، و اداری و سیاسی آماده ساخت.

ستیوارت به حواله یک سند (۲۶ دسمبر ۱۹۲۳) در آرشیف ملی ایالات متحده امریکا مینویسد که یک متخصص ایتالوی که به افغانستان در امور مالی کمک میکرد، اظهار داشته است که امان الله خان برای پروژه های خود پول کافی داشت . یک قسمتی از آن ذخیره در اغتشاش خوست بمصرف رسید. (۱۲)

در رابطه با سفر های غازی امان الله خان

برخلاف ادعای مصارف کمرشکن سفر های غازی امان الله خان به کشورهای اروپایی و آسیایی ، باید گفت که این سفر ها تنها یک عمل سیاسی نبوده بلکه جزو مهم برنامه های اصلاحات بود. او در پهلوی استحکام موضع سیاسی کشور برای تغییرات جدی بعدی اقتصادی و اجتماعی به جلب کمک های لازمه نیاز داشت. طوری که جریده امان افغان نوشت «این سفر بمنظور آمادگی شرایط جهت بهبود و رفاه و افزایش ترقی وطن ما صورت میگردد.» (۱۳) شاه امان الله خان توانست توجه حلقه های صنعتی برخی از کشورهای اروپایی را جلب نماید. عقد موافقتنامه ها و امضای قرارداد ها در باره صدور جوازنامه برای شرکت های غربی جهت طرح و تأسیس راه های آهن و استخراج ذخایر معدنی بر مبنای رعایت جدی اصول استقلال ملی در امر جلب سرمایه خارجی در اقتصاد افغانستان از اهمیت مهمی برخوردار بود.

غازی امان الله خان در گزارش مختصری که بعد از انجام سفرش بروز یکشنبه ۸ میزان ۱۳۰۷ در محضر مأمورین دولت و متصدیان مکاتب در پهلوی قصر ستور (وزارت خارجه) ایراد کرد، گفت که می خواستم برای معارف و صنایع افغانستان خدمت کنم. امان الله خان به خریداری ها و مصارف سفرش پرداخته اظهار داشت : خریداری هائیکه درین سفر کرده ام ۵۳۵۰۰ تفنگ جاغوردار، ۱۰۶ توپ، هشت طیاره، پنج موتر زره پوش، ۱۰۰۰۰ کلاه زره پوش، فابریکه های قندسازی، پارچه های پشمی و نخی، دکمه سازی، ماشین شستن پشم، ماشین ساخت مواد کیمیایی، ماشین جاکت بافی، ۲۴ ماشین جراب بافی، ماشین های حساب، ماشین شیر و مسکه، حفظ میوه، ماشین تیل کشی، ۱۸ موتر سواری، ۱۲ موتر اطفائی، ۲۰۰۰ دستگاه خورد و کلان رادیو، آلات جراحی، موتر های زراعت .

غازی امان الله خان مصارف سفرهایش به خارج را شمرده گفت که به تمام این سفر مصارفی که ماکرده ایم، بغیر از خریداری ها، مصارف مانند خرچ عید استقلال، دعوت ها، اعانه ها به بلدییه ها و شعبات و شفاخانه ها تبلیغ و افغانهای بی بضاعت، بخشش ها، مخارج هتل ها، کرایه های ریل، جیب خرچ هیئت ، جمله نوزده لک و پنجاه و یک هزار افغانی. عاید از قبیل سوغات ها، تحف و هدایا، مبلغ یک کرور و بیست و هشت لک و هشتاد و هشت هزار افغانی میماند. این را که این سفر برای چه بود و چطور کامیاب سدیم، کاملاً به فیصله وجدانی شما وزرا و رؤسا، خوانین و نمایندگان شما ملت میگذارم و کافه علما و فضلا مقیم پایتخت و تمام مملکت را متوجه این حقیقت میسازم، تا در غیاب و حضور بدین عواملی که من اجنام داده ام، مشوش و مشتبه نباشند. اما میدانم که خداوند متعال بیش از آنچه آرزو داشتیم مرا کامیاب گردانید. زیرا که این همه باعث مفاد ملت و مملکت است و فایده بی حساب کردم همان فایده است که حساب دخل و خرچ آنرا کاملاً محمد حسن خان مصاحب من به وزارت مالیه داده اند. (۱۴)

نویسنده کتاب آتش در افغانستان مینویسد که سفر های امان الله خان که بنظر بسیاری ها یک تجمل گران قیمت بود، آنقدر خرچی که آنها فکر میکردند، نداشت. امان الله خان یک مهمان مسلکی بود. او تنها به آن کشورهای رفت که بصورت مکمل مهمانداری اش را قبول کردند. (۱۵) او به ایالات متحده امریکا بخاطری نرفت که آنها گفته بودند مصارف سفرش را باید خودش بپردازد. بعد ها معلوم شد که دولت امریکا به درخواست مأمورین بریتانوی برای دلسردی او گفته بودند که او درین سفر مهمان رسمی دولت نخواهد بود.

در رابطه با انفاذ قوانین خلاف شریعت اسلامی

نظامنامه جزای عمومی، قانون اساسی، قانون ازدواج، قانون تجارت، معارف نسوان، موضوع تذکره نفوس و سربازگیری (خدمت زیر بیرق، و قانون مالیات موضوعات حاد مباحثات لویه جرگه سال ۱۹۲۴ را تشکیل میدادند این جرگه که به تاریخ ۱۶ جولای در اوج اغتشاش خوست در پغمان دایر شده بود، تحت الشعاع هیجان شدید مذهبی که

د پانو شمیره: له 4 تر 8

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته راښوولې. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینګه کړئ maqalat@afghan-german.de

یادونه: دلیکنی د لیکنیزې ښې پازوالې د لیکوال په غاړه ده ، هیله من یو خپله لیکنه له رالیولو مخکې په خیر و لولئ

در اثر شورش خوست به وجود آمده بود، قرار داشت، و عده از علمای دینی با استفاده از مشکلات دولت بار اول بصورت علنی علیه پالیسی های اصلاحی دولت موضع گرفتند.

علمای دینی مخالف، درین لویه جرگه لغو تمامی قوانینی را که به عقیده آنها با احکام فقه حنفی مغایرت داشت، تقاضا کردند. در روز دوم جلسه جرگه مولوی محمد ابراهیم کاموی (پدر مرحوم موسی شفیق) پیشنهاد کرد که اولتر از همه باید قانون جزاء مورد تجدید نظر قرار گیرد. علمای که درتدوین قوانین سهم نگرفته بودند از جاهای شان بلند شدند و به یک صدا تقاضا نمودند که قانون جزا باید با تطبیق کامل با قوانین فقه حنفی تعدیل گردد و مقررات جنائی جدید بشکل فتاوی شرعی توسط علماء تهیه و بجای تمسک القضاة، مورد اجراء قرار گیرد. مطالبات علنی و جدی علما در این مورد حاکی از نگرانی شدید آنها از تغییرات جدید در سیستم قضائی بود. از جمله تغییراتی که علمای دینی تقاضا داشتند، اعاده حقوق قضاة بود درمورد تعیین جزاهای تعزیری، یعنی جزای جرایم خفیف که حدود آن در قرآن مجید تعیین نشده است.

علمای دینی ادعا داشتند که تعیین جزای قبل از ارتکاب جرم بر خلاف احکام شریعت است، زیرا بنا بر مقررات شرع، نوعیت و اندازه جزاء با شرایط زمانی و مکانی فرق میکند و توصیه نمودند که علمای افغانستان "بدلایل قویه و مستنده علم خودشان را ضم نموده احکام اصدار نمایند". (۱۶) آنها به اتفاق آراء تعیین میعاد حبس را قبل از وقوع جرم ناجایز اعلام داشتند، به دلیل اینکه در کتب فقه حنفی میعاد حبس تا زمان ظهور اثار صلاح و توبه تعیین شده است. (۱۷) همچنان تعیین جزای نقدی یا تعزیرات بالمال را، که امام ابو یوسف (یکی از شاگردان امام ابو حنیفه) جایز دانسته است، رد نمودند.

امان الله خان کوشش نمود تا وکلا را قناعت بدهد و برای قناعت شان دلایل ذیل را ارائه نمود:

اگر مجرم جزای جرم را قبل از عمل آن بداند، مرتکب آن نمیشود.

در سابق مجرمین قضاة را در حالت اصدار حکم تهدید میکردند و اگر جزا قبلا تعیین شده باشد، جائی برای تهدید باقی نمیماند.

در حالت تعیین جزای قبل از وقوع جرم، دروازه رشوت مسدود میشود.

اما کوشش های شاه نتیجه نداد، و مخالفین عدم موافقه خود را در تعیین جزای قبل از وقوع جرم اعلام داشتند. (۱۸)

یک ملاصاحب دیگر ایراد گرفت که ترجمه مواد فقهی به زبان فارسی از حرمت دینی آن در نزد عوام خواهد کاست. (۱۹) یکی از علمای نواحی سرحد مدعی شد که شایعات نادرستی مبنی بر همکاری دولت افغانستان با فرقه های قادیانی در بین مردم قیابیل قوت یافته است و اصرار نمود که برای رد اینگونه شایعات و "انسداد مذاهب باطله" بانیست لفظ تسنن و پیروی دولت از احکام فقه حنفی در نظامنامه اساسی اضافه شود. (۲۰) شاه توضیح داد که علت اجتناب از ذکر مذهب تسنن در نظامنامه به عنوان مذهب رسمی برای این بود که اقلیت بزرگ اهل تشیع افغانستان و همچنان کشور دوست و همسایه افغانستان، ایران، را آزرده نسازد، اما دلایل شاه در این مورد و موارد دیگر تأثیر زیادی نداشت و علمای دینی توانستند بر تصاویر جرگه نظریات خود را تحمیل نمایند.

قانون اساسی در بین رعایای مسلمان و غیر مسلمان فرق نگذاشته بود و این خود یک موضوع نگران کننده دیگر برای علماء بود. آنها اظهار نگرانی نمودند که عدم رسیدگی به این موضوع تخطی از شعایر دین اسلام بوده و برای دولت اسلامی افغانستان خطر ایجاد خواهدکرد. حتی مولوی عبدالواسع قندهاری که در تدوین قانون اساسی سهم بارز داشت، مخالفتش را علیه ماده نهم قانون اظهار داشته ادعانمود که این ماده در غیاب وی به متن قانون اضافه گردیده است. (۲۱)

علمای دینی همچنان تقاضا نمودند که کلمه آزادی که در ماده نهم قانون اساسی بکار رفته بود، بانیست توضیح شود. مولوی محمد ابراهیم کاموی بیان داشت که کلمه آزادی می تواند به معنی آزادی دینی و یا آزادی فعالیت های ضد اصول اخلاقی اسلام تعبیر شود. (۲۲) شاه در طی یک سخنرانی طولانی به اعتراض مولوی کاموی پاسخ گفته معنی آزادی های فردی را تشریح نمود و در حالیکه بیرحمی رژیم های سابق را بر شمرد، اظهار تأسف نمود که علماء با اینکه مدعی دفاع از عدالت اسلامی میباشند، در آنوقت خاموش ماندند ولی امروز به اقداماتی که برای انکشاف عدالت اجتماعی گرفته شده است، ایراد گیری میکنند.

موضوع تعدد ازواج و نکاح صغیره مباحثات حاد و طولانی در جریان جرگه ایجاد نمود. شاه سعی داشت که با بیان پرابلم های اجتماعی که از مسائل مربوط به نکاح صغیره و تعدد ازواج ناشی می شدند، عناصر مخالف را به قبولی منع نکاح صغیره قانع بسازد. شاه اعلان کرد که هدف اصلی وی از روی کار آوردن قانون ازدواج برطرف ساختن و حد اقل کاهش دادن مشکلات خانوادگی، یکی از منابع مهم بی اتفافی و بینظمی اجتماعی، همچنین مدافعه از حقوق زنان مطابق به ارشادات قرآنی و آگاه ساختن مردان مسلمان از اصول عدالت قرآنی بوده است. با قرائت آیتی از قرآن کریم در باره مسئله تعدد ازواج اظهار داشت که مردان مسلمان تنها نیم اول این آیت را: " نکاح کنید یک، دو، سه و یا چهار بار" قبول کرده اند، اما قسمت دوم آنرا " و هرگاه میترسید که نمیتوانید اصول عدالت را مراعات کنید پس به یک نکاح اکتفا نمائید،" نادیده گرفته اند. (۲۳) مولوی عبدالرشید و محمد حسین، که هر دو جزء اعضای هیئت تمیز بودند، بار دیگر با قرائت آیه ای از قرآن مجید و نقل حدیثی از پیامبر اسلام (ص)، که مربوط به زنان بود، از موقف شاه در مورد حقوق زن پشتیبانی نمودند.

مولوی عبدالشیر، یکی از اعضای شورای عالی دینی، اضافه نمود که در اسلام تعدد ازواج برای لذات جسمانی مردان تجویز نشده، بلکه برای آن جایز شمرده شده است تا زنهای که شوهر های شان را در جنگ از دست داده بودند، بدون مرد سرپرست نمانند. بیانات مولوی عبدالشیر به حمایت از حقوق زن و قانون ازدواج با اعتراضات شدید مخالفان مواجه گشت. بالاخره، حضرت فضل محمد شمس المشایخ که مباحثات مجلس را نظارت میکرد، پیشنهاد نمود که شرایط مربوط به ازدواج زن دوم، سوم و چهارم و تعیین جریمه نقدی، جهت عدول از مواد وضع شده، از نظامنامه نکاح حذف گردد. (۲۴)

ستیوارت نتیجه میگیرد که ملا ها فکر میکردند که هیچ انسانی حق ساختن قوانین را ندارد. قانون الهی توسط پیغمبر اسلام (ص) به شکل قوانین شرعی جمع بندی شده و ملا ها آنها را تفسیر میکردند. آنها نظامنامه ها را محدودیت صلاحیت خود فکر میکردند.

غازی امان الله خان شخصاً مسلمان صادق بوده مخالفتی با مذهب نداشت. اما او مانند جدش، امیر عبدالرحمن خان، عقیده داشت که مؤسسات مذهبی بدست اشخاصی افتاده است که هدف دیگری جز استثمار سیاسی و اقتصادی مردم نداشته، و مذهب را برای بدست آوردن منافع شخصی استعمال میکنند. بنظر نویسنده کتاب اصلاحات و اغتشاشات در افغانستان، شیوه های را که امان الله خان برای اصلاح امور مذهبی اتخاذ کرده بود، همه مولود افکار وی و خامه طرز تفکر اوست. بنظر او تعلیم و تربیه ملاهای اطراف قدم اول و مهم بشمار میرفت. وی در عین حال تصمیم داشت تا از قدرت ملا ها در تعلیم اطفال و صلاحیت شان در امور قضائی بکاهد، زیرا اصلاح آن امور از ایجابات همقدم ساختن افغانستان بادنیای معاصر بود. مؤسسات مذهبی در حیات افغانها موقعیت پایداری داشتند. مؤسسات مذهبی و علمای دینی نه تنها در مراکز و شهر ها نفوذ اقتدار خویش را پهن ساخته بودند، بلکه هیچ قریه و یا قلعه نبود که در آن ملا وجود نداشته باشد. قبایل و حتی کوچی ها تحت نفوذ شان قرار داشتند. بعضاً با کوچی ها در حرکت و بعضاً در توقفگاه های کوچی به انتظار آمدن شان میبودند. قوای نظامی نیز زیر تاثیر ملا ها بود. پیر گرفتن و مرید شدن در اردو شیوع داشت. تمام طبقات اجتماعی تحت تاثیر عمیق مؤسسات مذهبی بوده و از ارزش های مشترک پیروی میکردند. ملا ها بشکل غیر رسمی اما مؤثر پخش کننده تبلیغات در تمام نقاط کشور بودند.

استادفضل غنی مجددی درین رابطه مینویسد که «مخالفین امان الله خان، اعمال امان الله خان را وسیله مناسب برای سقوطش دانستند و از حرکات بی وقت وی استفاده بزرگ نمودند. حبیب الله خان و طرفدارانش امان الله خان را شخص بی دین و لاتی معرفی کردند درحالی که امان الله خان انسان مسلمان و با عقیده بود و نسبت به پادشاهان گذشته افغانستان در عقاید شخصی مستقیم تر بود و در نوشیدن شراب و زنا، و داشتن کنیز و خیانت به ملت از بسیاری زعمای گذشته افغانستان پاکتر بود. کسانی که بعد از امان الله خان آمدند بسیاری از قوانین اسلامی را احترام نکردند و حتی وعده هائیکه در قرآن کریم به امضا رسانیده بودند بدان احترام نکردند و در قتل مخالفین شان زیاده روی کرده تعدادی را ظالمانه به قتل رسانده و تعدادی را به زندان انداخته و تعدادی را خلاف قوانین بین المللی از افغانستان فرار نمودند.» (۲۵)

پولادا به روایت اظهارات یکی از اهل خبره مینویسد که «مشکلات امان الله خان بارهبران مذهبی اساساً مشکل سیاسی بود، نه مذهبی. در اوایل چون امان الله خان طرفدار ترک ها، مخالف انگلیس ها و با پان اسلامیزم همکار بود، ملا ها طرفدار و پشتیبان وی بودند. ولی این وضع به تدریج تغییر یافته و بعضی ملا ها نظر خویش را راجع به وی

تبدیل کردند. علت این تحول ضعف در عقاید مذهبی امان الله خان نبود، و ملاها میدانستند که امان الله خان آدم مذهبی است. علت واقعی خوف تطبیق پالیسی های امان الله خان بود. این پالیسی ها که شامل تاسیس یک دستگاه منظم و فعال اداری بود، در دو سطح با منفعت رهبران مذهبی بر می خورد: رهبران مذهبی در شهرها و مراکز حکومتی وظیفه قاضی، مفتی و محرر را اجرا و ازین مدارک بشمول فیصله دعاوی و رشوت عایدات مداوم داشتند. آنها میدانستند که تاسیس دستگاه اداری پاک و پیرو به قانون، به نفوذ سیاسی و اقتصادی شان صدمه خواهد زد. آرزوی امان الله خان این بود که فعالیت آنها را داخل چوکات قانونی ساخته، و ماهیت عصری به آنها داده و آنها را در پیشبرد وظایف عنعنوی شان ماهر و با کفایت سازند. یعنی علمای دینی در دستگاه اداری دولت سهم فعال داشته و مسئولیت خویش را بحیث یک فرد جامعه قبول دار کردند.

در اطراف اوضاع وخیمتر بود. اصلاحات تعلیم و تربیه اطفال که امان الله خان آنها را جدا تعقیب میکرد به منافع ملا تصادم میکرد. علاوه بر آن، بعضی از اصلاحات اداری مانند جمع آوری مالیات و جلب عساکر منافع ملک ها را با خطر مواجه میکرد. با آنکه ریفرم های اداری ربطی با مذهب نداشت، ولی ملاها که متحدین طبیعی اقتدار و قدرت در دهات بودند، ازین تغییرات متضرر میشدند. لذا آنها به شکایات خود رنگ مذهبی دادند.

(ادامه دارد)

یادداشت ها و مأخذ

1. کارگون، ویکتور گریکوویچ- ترجمه داکتر جلال الدین صدیقی (۱۳۶۵)، افغانستان در سالهای بیست و سی قرن بیستم میلادی، ص ۸۴.
۲. غبار، میر غلام محمد (۱۳۶۶)، افغانستان در مسیر تاریخ (جلد اول)، ص ۷۸۹.
۳. مجددی، فضل غنی (۱۹۹۷)، افغانستان در عهد اعلیحضرت امان الله خان. کالیفورنیا، ص ۲۲۱.
۴. Fraser-Tytler, William K. (1967)، اغتشاشات و اصلاحات، ص ۲۱۳.
۵. اسناد آرشیف دفتر هند بریتانوی، 1929، L/P&S/10/289.
۶. روزنامه تایمز لندن، شماره ۸۷، ۱۴ جولای ۱۹۲۸.
۷. Poullada, L. B. (1973)، اغتشاشات و اصلاحات، صفحات ۱۴۳-۱۴۴.
۸. Poullada, L. B. (1973)، صفحات ۱۴۶-۱۴۷.
۹. امان الله خان برای آموزش قوای نظامی خود به ترک ها اتکا کرد. اولین مشاور وی جمال پاشا و بعد فخری پاشا بود. اما اقدامات اولیه او بنا بر حسادت و کارشکنی های محمد نادرخان، سپه سالار و وزیر حریبه وقت، مؤفق نبودند. بعد از ملاقات سال ۱۹۲۸ امان الله خان با اتاترک یک هیئت جدید و با صلاحیت ترکی تحت رهبری جنرال کاظم بی به افغانستان فرستاده شد، اما متأسفانه این هیئت دیر و بعد از اغتشاشی به افغانستان رسید، که امان الله خان را به استعفا مجبور ساخته بود.
۱۰. Poullada, L. B. (1973)، ص ۱۱۲.
۱۱. Adamec, L.W. (1997)، قاموس تاریخی افغانستان - چاپ دوم، ص ۸۰.
۱۲. Stewart, Rhea Talley (2000)، آتش در افغانستان، ص ۳۳۷.
۱۳. امان افغان، شماره ۱۵ اکتوبر ۱۹۲۷ (به حواله کارگون).
۱۴. امان افغان، سه شنبه ۱۰ میزان ۱۳۰۷؛ پوپلزایی، عزیزالدین وکیلی (۱۳۷۹) سفر های غازی امان الله شاه. چاپ دوم، مرکز نشراتی میوند، کتابخانه سبا، پشاور. صفحات ۲۰۸ تا ۲۲۰.
۱۵. Stewart, Rhea Talley (2000)، ص ۳۳۹.

د پانیو شمیره: له 7 تر 8

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ maqalat@afghan-german.de
یادونه: دلیکني د لیکنيزي بني پازوالي د لیکوال په غاړه ده، هیله من یو خپله لیکنه له رالیولو مخکي په څیر و لولئ

- ۱۶ . گزارشات رویداد های لویه جرگهء پغمان، ۳۱۸.
- ۱۷ . همانجا، ص ۳۱۴.
- ۱۸ . همانجا، ص ۳۱۱.
- ۱۹ . همانجا، ص ۱۱۶.
- ۲۰ . همانجا، ص ۱۵۱.
- ۲۱ . همانجا، صفحات ۱۲۵-۱۲۶.
- ۲۲ . همانجا، ص ۱۳۶.
- ۲۳ . گزارشات رویداد های لویه جرگه، صفحات ۱۶۷ - ۱۲۹.
- ۲۴ . همانجا، ص ۷۳.
- ۲۵ . مجددی، فضل غنی (۱۹۹۷)، ص ۳۰۳.

د پانو شمیره: له 8 تر 8

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینګه کړئ maqalat@afghan-german.de
یادونه: دلیکنی د لیکنیزې بڼې پازوالي د لیکوال په غاړه ده ، هیله من یو خپله لیکنه له رالیولو مخکې په څیر و لولئ